

تربیت و تعلیمی که قصد مربی ائتلاف وقت و مقصود محصل
سرم بیچی یک سلسله سطحیات است چه تربیت و تعلیم است ؟
آن معارفی که بطور کورکورانه قدم هائی بر میدارد و هیچ
نمیداند برای آئینه چه قسم فرزندان تربیت میکند و در نتیجه لا قیدی
روح نشاط و انبساط خاطر را در محصلین خاموش و آن هارا یک
مشت ابله دست و پا شکسته بار میآورد که نه بدرد خودشان
میخورند و نه بدرد جامعه که باید در میان آن زندگی کنند چه قسم
معارفی است ؟

آن جامعه که زندهایش سوراخ دعا را کم کرده و بجای مهمترین
وظائف بشری (تربیت کودکان) که محور بایشان شده است آزادی
خود را در چیز های لوس و مبتذل و بی معنی و سطحی از قبیل
اسراف در شرب مسکرات و خواندن شعر های بی سروته و ناهموار
حرف زدن و در سینماها و تئاترها و یلان شدن جستجو میکنند - آیا این
چه جامعه و چه شاهی است که زندهایش طی مینمایند ؟

وزارت خاها و اداراتی که بعضی رؤساء آن از برداشتن یک
قدم مثبت و جدی هراسانند و جز منفی بافی و اشکال تراشی در انجام
کارها و مدر هیچ امری نیستند چه کاری برای خیر و صلاح جامعه
از آنها میشود انتظار داشت ؟

در جواب این سؤالات فقط یک کله کافی است - قاچاق -

زندگانی قاچاق ، تعلیم و تربیت قاچاق ، کسب و تجارت قاچاق ،
نظام فامیلی قاچاق ، ادارات قاچاق ، شهرها قاچاق و حتی بیداری

ز نهادم قاجاق است ، برای چه ؟ برای اینکه اتکالی هستیم منتظریم دولت تمام کارهای ما را انجام دهد. برای اینکه درویش ما بانه سرنوشت فوجارا بخدا می سپاریم بدون آنکه معنی توکل را بدانیم برای اینکه امپراتوریان از خودمان سلب و همیشه متوقع از دیگری هستیم که کارهایمان را برایشان انجام دهد.



ایران در چند سال اخیر خیلی چیزهای تازه بخود دیده است ما باید عملیات شخص اول مملکت را سرمشق قرار داده و شروع بکار کنیم و بیش از این متوقع بودن دلیل بر بی قابلیت و بی لیاقتی خودمان خواهد بود . در هر رشته که نظر بینکنید چیزهای تازه و پند های مفیدی می مابید . تاسیس راه آهن و ایجاد طرق شوسه ، تاسیس و توسعه بانک و تشویق در زراعت و تجارت ، ایجاد کارخانجات و تهیه لوازم زندگانی در خود مملکت و ازدیاد وسائل نظافت و ته-ریح ، توسعه بودجه معارف و قانون ورزش اجباری (اگرچه بحد در نیامده) و هزار چیزهای دیگر که بواسطه توجهات اعلیحضرت همایونی بسرعت سیر تکامل خود را دارد می پییاید هر يك مشوق بترکی برای ما محسوب میشود - همچنانکه شاهنشاه مملکت مقصود و نقطه نظرش آتیة برجسته و درخشانی برای ایران و ایرانیان است ما نیز باید عملیات خود را از دائره (قاجاق) خارج و مال اندیشانه شروع بکار کنیم .

البته کسانی که روحیات قاجاق سرپای پیچودشان را گرفته ،

کردار و زندگانی اجتماعیشان مخلوط به آن شده است مخاطب بنده نیستند زیرا که این قبیل اشخاص گذشته از آنکه مصدر هیچ امر نافی نخواهند بود بدون ملتفت شدن دائماً از چپ و راست آزار و اذیتشان بمردم میرسد . خوی و عادت ثانوی ایشان آزار دیگران است و حکم خارهای اجتماعی را دارند که باید دوزیر پاشنه‌های افراد نافع و مفید لگدمال و معدوم گردند :

چندی قبل یکی از دوستان و جوان های محبوبی که بعد از ۱۱ سال های دراز دوری از ایران و زحمات زیاد در تربیت خود تاژی بوطن خویش برگشته و مشغول خدمت شده است نزد من درد دل میکرد که بدون هیچ جهت و سببی مخالفت هائی در خارج برضد ایشان در جریان است ، البته اشخاص نالایق که از تحصیلات عالی بی بهره اند چشم ندارند در مقابل خود کسی را ببینند ولی این قبیل خارهای اجتماعی را باید متدرجاً از این کلستان دور انداخت ، این اشخاص اگر دارای صراحت لهجه و شهامت اخلاق بودند در میدان آزاد مسابقه برای آزمایش حاضر میشدند و در خفاء مشغول دسینسه نمیکشتند ولی ایشان دیگر وک و پوستان هم بقاچاق عادت کرده است : خانه

کتاب ذیل

تالیف: عبدالله دشتی

انگلیسی و فارسی در آتیه نزدیکی طبع خواهد شد

GEOLOGY AND MINERAL RESOURCES OF PERSIA

By

ABDOULLAH KHAN DACHTI

B. A. B. Sc. E. M.

Junior Member American Institute of Mining

and Metallurgical Engineer.

Associate, American Association of Petroleum Geologists

Member, American National Geographi Society

Persian Government Engineer

Mining Engineer & Geologist

کتاب معادن و معرفة العرض ایران

تالیف: عبدالله دشتی

بزودی برای طبع حاضر میشود

Imp, Bagher Zadeh